

در گرو کار خویش

درس هفتم

قسمت اول : کلیات

الف) هدف‌ها

۱ هدف کلی :

آشنایی با زمینه‌های بروز گناه و تبیین راه‌های دوری از گناه

۲ هدف‌های آموزشی

- تبیین میزان اثرگذاری عوامل محیطی در شکل‌گیری گناه
- تبیین چرایی حرکت انسان به سوی گناه
- تبیین جایگاه ایمان در بازدارندگی انسان از گناه

ب) ارتباط با درس‌های گذشته

دانش‌آموزان در درس قبل با این سنت الهی آشنا شدند که اعمال انسان علاوه بر آنکه آخرت هر فرد را می‌سازد، در زندگی دنیوی او نیز کاملاً اثرگذار است. گناهان انسان می‌تواند دنیای فرد را تیره و تار کند و اعمال صالح می‌تواند زندگی دنیوی را شیرین سازد. در این درس از همین دریچه به موضوع گناه پرداخته‌ایم تا با آشنایی با زمینه‌های بروز گناه، بتوانیم از آن دوری کنیم و دنیا و آخرت خویش را آباد سازیم.

ج) محورهای اصلی درس

۱- اختیار عامل سعادت یا شقاوت

۲- زمینه‌های بروز گناه

- ۳- ایمان سدی محکم در برابر گناه
- ۴- علت بروز گناه از سوی مؤمنین
- ۵- آشنایی با گناهان صغیره و کبیره
- ۶- لزوم کتمان گناه

قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی — یادگیری

الف) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

عنوان درس می‌تواند شروع خوبی برای این درس باشد. این عنوان که برگرفته از آیه ۳۸ سوره مدثر است بر این نکته تأکید دارد که انسان در گرو اعمال ناپسند خویش است و این اعمال در آخرت همچون طوقی بر گردن او خواهد بود. دبیر می‌تواند از دانش‌آموزان از معنای این عنوان بپرسد و با دریافت نظرات دانش‌آموزان در خصوص واژه «گرو» ارتباط آن را با درس بیان کند.

ب) مراحل تدریس

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت صحیح آیات ابتدای درس
۲	تبیین معنای عنوان درس
۳	تبیین نقش انسان در سعادت یا شقاوت وی
۴	انجام فعالیت «تدبر در قرآن»
۵	تبیین بخش «زمینه‌های گناه»
۶	انجام فعالیت «بررسی»
۷	تبیین بخش «پاسخ به یک پرسش»
۸	تبیین بخش «پشتوانه محکم دوری از گناه»
۹	تبیین بخش «بررسی یک مسئله»
۱۰	تبیین بخش «کتمان گناه»
۱۱	تبیین بخش «آثار گناه»
۱۲	انجام فعالیت «خودارزیایی»

۱ قرائت صحیح آیات ابتدای درس :

مانند دروس گذشته، دانش‌آموزان آیات درس را قرائت می‌کنند.

۲ تبیین معنای عنوان درس :

عنوان این درس، «در گرو کار خویش» می‌باشد که برگرفته از آیه ۳۸ سوره مدثر است :
كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ هر کس در گرو عملی است که انجام داده است.

علامه طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید که گویا منظور از رهن و گروگان بودن نفس انسان این است که خداوند این حق را به گردن خلق دارد که با ایمان و عمل صالح او را بندگی کنند، پس هر نفسی از خلق، نزد خدا محفوظ و محبوس است تا این حق و این دین را بپردازد، حال اگر ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، از گرو درآمده و آزاد می‌شود و اگر کفر ورزد و مرتکب جرم شود و با این حال بمیرد، همچنان رهین و برای ابد محبوس است.

۳ تبیین نقش انسان در سعادت یا شقاوت وی :

این بخش در صدد است تا این نکته را به مخاطب گوشزد کند که مسئول سرنوشت انسان و رقم زدن سعادت وی، فقط خود انسان است و عواملی چون محیط، دوستان و... فقط در حدّ یک محرک نقش ایفا می‌کنند؛ یعنی برخلاف برخی حرف‌های رایج که از سوی برخی افراد گفته می‌شود و علت گناه و فساد خود را به محیط و دوستان ناپاب و جامعه نسبت می‌دهند، این خود انسان است که با اراده و اختیار خود تصمیم می‌گیرد در کدام جهت و مسیر حرکت کند. این قسمت می‌خواهد دانش‌آموز را متوجه این نکته کند که به جای اینکه تقصیر اشتباهات و گناهان خود را به گردن دیگران بیندازیم، مشکل را در خود جست‌وجو کنیم. حتی شیطان نیز تنها وسوسه‌گر و تحریک‌کننده انسان است و این‌گونه نیست که کسی را با زور به سوی گناه بکشاند، از این روست که در قیامت، مقصر اصلی را انسان و تمایلات نفسانی‌اش معرفی می‌کند و خود را تنها یک دعوت‌کننده می‌داند^۱.

۴ انجام فعالیت «تدبّر در قرآن»

فَالهَمَّهَا فُجُوْرَهَا وَ تَقْوَاهَا آنگاه [تشخیص] بدکاری و پرهیزکاری را به آن [نفس انسان] الهام کرد.
 قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا که هر کس آن را پاک گرداند، قطعاً رستگار شد.
 وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا^۲ و هر کس آن را آلوده کرد، قطعاً محروم شد.

۱- در این آیات یک بشارت وجود دارد و یک انذار، آنها را مشخص کنید.

بشارت : عبارت «قَدْ اَفْلَحَ»

این عبارت به کسانی که وجود خود را پاک می‌کنند، بشارت به رستگاری می‌دهد.

۱- سوره ابراهیم، آیه ۲۲

۲- سوره شمس، آیات ۱۰-۸

انذار : عبارت «قَدْ خَابَ»

این عبارت به کسانی که نه تنها نفس خود را پاک نمی کنند بلکه آن را آلوده می کنند، به محروم شدن از رستگاری هشدار و انذار می دهد.

۲- این بشارت و انذار نشانه چه حقیقتی است؟

نشانه این حقیقت است که انسان اختیار دارد و سرنوشتش به دست خود اوست، زیرا وقتی بشارت و انذار انسان معنا دارد که وی اختیار آن را داشته باشد که بین مسیر درست و نادرست دست به انتخاب بزند. اگر انسان اختیار انتخاب مسیر را نداشته باشد، دیگر معنا ندارد که او را نسبت به انتخاب نادرست انذار و نسبت به انتخاب صحیح بشارت دهیم.

۵- تبیین بخش «زمینه های گناه»

این بخش به دنبال توضیح این نکته است که گناه، نتیجه غرق شدن در امیال و غرایز مادی و توجه صرف به این بُعد از وجود انسان است؛ یعنی انسان ها ذاتاً تمایلی به سمت گناه ندارند، بلکه وجودشان دربردارنده گرایش های طبیعی (مادی) و گرایش های متعالی است، اما اگر انسان تنها به گرایش های مادی خود توجه کند و از سایر گرایش های خود غافل شود، در مسیر گناه می افتد.

در این بخش از درس، به نحوه تعامل با غرایز پرداخته می شود. در این خصوص، سه دیدگاه رایج در خصوص نحوه برخورد با غرایز مطرح است :

اول : سرکوب کردن دوم : آزادی و رهایی کامل سوم : کنترل و ارضای متعادل

دیدگاه اول بیشتر در بین بوداییان و هندوها و حتی مسیحیت دیده می شود. یک کنشیش یا راهبه مسیحی حق ندارد ازدواج کند، زیرا ازدواج یعنی توجه به غریزه شهوت و این یعنی دور شدن از معنویت. در مکاتب شرقی نیز برای رشد و سلوک بایستی غرایز از جمله غریزه جنسی را سرکوب کرد.

دیدگاه دوم بیشتر در میان مکاتب غربی رواج دارد که خواهان آزادی کامل غریزه جنسی و رها گذاشتن آن هستند. راسل و فروید از پیشگامان این طرز فکر می باشند.

اما دیدگاه سوم که همان نظریه اسلام است نه اعتقادی به سرکوب غرایز دارد و نه رهایی آن را توصیه می کند. از نظر اسلام، خداوند حکیم هیچ چیزی را عبث نیافریده است. غرایز انسان امری بیهوده نیستند تا بدانها توجه نکنیم، خداوند حکیم هریک از این غرایز را برای هدفی آفریده است.

از سوی دیگر، آزاد گذاشتن کامل این غرایز نیز جز غفلت انسان از سایر استعداد های متعالی نتیجه دیگری نخواهد داشت.

راه اسلام، همان راه میانه است. ارضای متعادل غرایز. غرایز همچون رود خروشان می ماند که اگر کاملاً رهاش کنی، خسارت به بار می آورد، اگر بخواهی آن را بخشکانی، از نعمت آب و فواید آن بی بهره شده ای،

پس باید سدّی بر آن احداث کنی تا به وسیلهٔ این سد، کنترل این رود را در دست گیری و هر جا که لازم و نیاز باشد از این آب بهره مند شوی.

۶ انجام فعالیت «بررسی»

چه عواملی سبب می‌شوند تمایلات مادی ما تحریک شوند و از حدّ اعتدال خارج گردند؟ آنها را شناسایی کرده و نام ببرید.

دیران توجه داشته باشند که در اینجا منظور از عوامل، صرفاً عوامل محیطی است؛ مثلاً دیدن فیلم‌های خشونت‌آمیز می‌تواند قوه غضب ما را تحریک و از حد اعتدال خارج کند.

دوستان و رفیقان نامناسب می‌تواند باعث خروج انسان از حد اعتدال شود. حضور در مجالس نامناسب و گناه‌آلود، حضور در گروه‌ها یا کانال‌های نامناسب در فضای مجازی و مواردی از این قبیل همگی می‌توانند در تحریک تمایلات مادی ما تأثیرگذار باشند.

۷ تبیین بخش «پاسخ به یک پرسش»

این بخش در صدد پاسخ به این شبهه است که اگر غریزه جنسی را آزاد بگذاریم و او را محدود نکنیم، فرد بعد از مدتی از مسائل شهوانی خسته و دلزده می‌شود و کمتر به سمت این مسائل می‌رود.

شهید مطهری در پاسخ به این شبهه می‌گوید:

«حاجت‌های طبیعی بر دو قسم است؛ یک نوع حاجت‌های محدود و سطحی است، مثل خوردن و خوابیدن. در این نوع از حاجت‌ها همین که ظرفیت غریزه اشباع و حاجت جسمانی مرتفع گردد، رغبت انسان هم از بین می‌رود و حتی ممکن است به تنفر و انزجار مبدل گردد. ولی یک نوع دیگر از نیازهای طبیعی، عمیق و دریاصفت و هیجان‌پذیر است مانند پول پرستی و جاه‌طلبی.

... غریزه جنسی دارای دو جنبه است: جنبه جسمانی و جنبه روحی. از جنبهٔ جسمی محدود است ولی از نظر تنوع طلبی و عطش روحی‌ای که در این ناحیه ممکن است به وجود آید شکل دیگری دارد... انسان روحاً بی‌نهایت طلب است، وقتی هم که خواسته‌های روحی در مسیر مادیات قرار گرفت به هیچ حدی متوقف نمی‌شود...^۱؛ ایشان غریزه جنسی را به دلیل جنبهٔ روحی آن، سیری‌ناپذیر می‌داند که هرچه رهاتر شود، عطش آن بیشتر می‌گردد.

۸ تبیین بخش «ایمان، پشتوانه محکم برای دوری از گناه»

شاید این مطلب کتاب که انسان به‌طور فطری گناه را دوست ندارد، موجب این تلقی شود که انسان حتی اگر به دین هم معتقد نباشد، صرفاً با همان داشته‌های فطری خود می‌تواند از گناه و بدی دوری کند. به بیان دیگر، نیازی به دین نیست و انسان بدون دین نیز می‌تواند بر مدار اخلاق حرکت کند. این بخش از کتاب به دنبال تصحیح این تلقی اشتباه است. انسان اگرچه فطرتاً از گناه بیزار است اما گاه چنان وسوسه‌ها و

محرک‌ها زیاد می‌شوند که فرد ندای فطرت خود را فراموش می‌کند. در اینجا نیاز به پشتوانه محکمی است که به کمک فطرت آید و او را از غفلت و فرو افتادن در دام گناه نجات دهد. این پشتوانه محکم ایمان به خداست. کتاب در این بخش، علت پشتوانه بودن ایمان را تبیین کرده است.

۹ تبیین بخش «بررسی یک مسئله»

این بخش در راستای پاسخ به این سؤال ارائه شده که اگر ایمان به خدا انسان را از گناه بازمی‌دارد، پس چرا شاهد گناه کردن افراد مؤمن هستیم؟

کتاب سعی نموده پاسخ به این مسئله را در سه بخش مطرح کند؛ اول آنکه حواسمان به برخی ظاهرسازان باشد، کسانی که اگرچه ادعای ایمانشان گوش فلک را پر کرده اما از درون تهی از ایمان هستند و تنها برای ظاهرسازی، خود را مؤمن جلوه می‌دهند. دوم اینکه توجه داشته باشیم که مؤمنان مراتب دارند و هرکس بسته به میزان ایمانش از گناه دوری می‌کند و سوم اینکه با نگاه به اطرافیان خود به خوبی درمی‌یابیم که دوستان باایمانان کمتر به سوی گناه می‌روند درحالی که افرادی که تقیدی به دین ندارند، بیشتر آلوده به گناه هستند.

۱۰ تبیین بخش «کتمان گناه»

این بخش با هدف پرهیز دادن دانش‌آموزان از بیان گناهان خود در حضور دیگران است. متأسفانه برخی جوانان به راحتی گناهان خود را برای دوستان خود بیان می‌کنند و قبح و زشتی گناه را در پیش آنان می‌ریزند. از این رو لازم است با نتایج و عواقب این کار آشنا شوند.

۱۱ تبیین بخش «آثار گناه»

برخی نوجوانان با توجه به آلوده شده به فرهنگ غربی و پرورش در محیط‌های ناسالم، هیچ ابایی از گناه ندارند، بلکه می‌گویند مگر انجام این رفتارها چه نتایج و پیامدهایی دارد؟

در این قسمت سعی شده برخی نتایج آلوده شدن به گناه بیان شود. البته آثار و پیامدهای گناه بسیار بیشتر از این موارد است و در اینجا تنها به سه مورد اشاره شده است و دبیران می‌توانند آثار دیگر را به فراخور مخاطبان بیان کنند.

۱۲ انجام فعالیت «خودارزیابی»

حالت خود را هنگام نافرمانی از خداوند بررسی کنید و ببینید.

۱- به کدام خطا عادت کرده‌اید و علت آن چیست؟

۲- به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می‌دانید چه اثری بر جا می‌گذارد؟

۳- هنگام انجام خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟

این فعالیت باید به صورت انفرادی انجام بگیرد و پاسخ‌ها در کلاس نباید طرح شوند زیرا ارائه مشکلات اخلاقی فرد علاوه بر تحقیر او سبب اشاعه آن نیز می‌شود.

در این فعالیت هر دانش‌آموز حالات شخصی خود را بررسی می‌کند و از خود حسابرسی می‌نماید. این فعالیت، توانایی نقادی از خود را در دانش‌آموز افزایش داده، زمینه‌های تغییر را در او به وجود می‌آورد. دبیر محترم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد که جدولی مانند جدول زیر برای خود رسم کنند و به ارزیابی خود بپردازند:

ردیف	خطایی که به آن عادت کرده‌ام	آثار و عواقب آن خطا	حالتی که در هنگام خطا و پس از آن برایم پیش می‌آید
۱			
۲			
۳			
.			
.			
.			

البته دبیر می‌تواند از آنان بخواهد که چنین جدولی را بدون ذکر نام تکمیل کنند. اگر چنین کاری توسط دانش‌آموزان انجام شود، اطلاعات مفیدی در اختیار دبیر قرار می‌گیرد و او می‌تواند در مباحث و صحبت‌های خود به‌طور مستقیم برخی از خطاها را مطرح کند و برای اصلاح دانش‌آموزان، تذکرات مفیدی را در لابه‌لای صحبت‌های خود ارائه دهد.

بازگشت

درس هشتم

قسمت اول: کلیات

(الف) هدف‌ها

- ۱ هدف کلی: آشنایی با چگونگی بازگشت به توحید عملی و تلاش برای تحقق آن در زندگی
- ۲ هدف‌های آموزشی
 - شناخت زمینه درونی بازگشت و توبه در انسان
 - تبیین حقیقت توبه به عنوان دروازه رحمت الهی
 - شناخت مراحل تکمیلی توبه

(ب) ارتباط با درس قبل

در درس قبل در خصوص گناه و زمینه‌های بروز آن نکاتی گفته شد. این درس مربوط به کسانی است که در برخی از اعمال یا در اصل مسیر بازمانده‌اند؛ راه اشتباه پیش گرفته بودند و تصمیم دارند بار دیگر به مسیر حق بازگردند و در جهت توحید عملی و بندگی خداوند گام بردارند. به همین جهت این درس، بعد از درس «در گرو کار خویش» قرار گرفته است تا راه برون رفت از گناه را نشان دهد.

طرح بُعد اجتماعی توبه، در این درس مبتنی بر آیات قرآن کریم است که علاوه بر هویت فرد، برای جامعه نیز هویت خاص قائل است و آن را دارای سنت‌های مخصوص به خود می‌داند؛ بنابر آموزه‌های قرآن کریم، اقوام و ملت‌ها سرنوشت‌های ویژه خود را دارند؛ گاهی بر اثر غرق شدن در گناه، به طور دسته جمعی عذاب می‌شوند و گاه مانند قوم حضرت یونس، بر اثر بازگشت و توبه جمعی، عذاب از آنها برداشته می‌شود و در مسیر هدایت قرار می‌گیرند.

به همین جهت، در بحث توبه، متناسب با بحث توحید عملی، هم بُعد اجتماعی آن مطرح شده است و هم بُعد فردی آن.

ج) محورهای اصلی درس

- ۱ انسان توانایی مخالفت با امیال درونی خود را دارد و این ویژگی ناشی از قدرت اختیار در اوست.
- ۲ توبه، انقلاب و عصیان علیه خوددانی به نفع خودِ عالی و متعالی است.
- ۳ همین که انسان از گناه خود پشیمان شود، توبه محقق شده است.
- ۴ شیطان تلاش زیادی برای دور کردن انسان از مسیر توبه انجام می‌دهد و به حیل‌های متعددی متوسل می‌شود.
- ۵ علاوه بر توبه فردی، توبه اجتماعی نیز وجود دارد که به معنی بازگشت یک جامعه به مسیر حق است.

قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی — یادگیری

الف) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

ذکر داستان یا خاطره از کسانی که ناگهان متحول شده، توبه کرده و در مسیر حق قرار گرفته‌اند، برای شروع بحث و ایجاد انگیزه مناسب است. به‌عنوان نمونه کتاب «طیب» که به‌خاطرات شهید طیب حاج‌رضایی پرداخته است و یا کتاب «شاهرخ، حرّ انقلاب» نمونه‌های خوبی از توبه افرادی است که گذشته خوبی نداشته‌اند. همچنین می‌توان از دانش‌آموزان سؤال کرد که آیا برای آنها تحول ناگهانی و جدی پیش آمده است؟ در آن هنگام چه تصمیمی گرفته‌اند؟ چه حالت روحی و معنوی به آنها دست داده است؟ پس از طرح این‌گونه خاطرات، زمینه برای تدریس آماده می‌شود و دبیر محترم می‌تواند بحث را آغاز کند. مواردی از این‌گونه خاطرات و داستان‌ها در بخش دانستنی‌های ضروری خواهد آمد.

ب) مراحل تدریس

از آنجا که توبه یک عمل قلبی و درونی است، این درس باید متناسب با آن و در حال و هوای آن تدریس شود. روش موعظه، استفاده از کلام تبشیری و اندکی هم‌اندازی، بهره‌گرفتن از داستان و شعر، ایجاد تنبیه و تذکر در مخاطب و سوق دادن آنان به تأمل، از روش‌های مناسب با این درس است.

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت صحیح آیات ابتدای درس
۲	تبیین مفهوم «انقلاب علیه خود»
۳	انجام فعالیت «بررسی»
۴	توضیح درباره «حقیقت توبه»
۵	تبیین رابطه توبه و پاکی نفس
۶	بیان برخی از حیل‌های شیطان در به تأخیر انداختن توبه
۷	بیان مراحل تکمیلی توبه
۸	انجام فعالیت «بررسی»
۹	انجام فعالیت «خود ارزیابی»
۱۰	تبیین بخش «توبه اجتماعی»
۱۱	تبیین بخش «مهلت انجام توبه»
۱۲	انجام فعالیت «پیشنهاد»

۱ قرائت صحیح آیات

مانند دروس گذشته، دانش‌آموزان آیات ابتدای درس را قرائت می‌کنند. استفاده از فایل صوتی آیات نیز توصیه می‌شود.

۲ تبیین مفهوم «انقلاب علیه خود»

این بحث می‌تواند با این سؤال آغاز شود که چه تفاوت‌هایی میان انسان با موجودات زنده دیگر مانند گیاه و حیوان وجود دارد؟

پس از طرح این سؤال و شنیدن نظرات چند دانش‌آموز، دبیر محترم جهت بحث را به سمت تفاوت‌هایی از نوع تغییر و تحول، به خصوص تغییرهایی که با توجه به موانع بیرونی پیش می‌آید، سوق می‌دهد. در این میان، ممکن است دانش‌آموزان نمونه‌های شگفت و زیبایی را که در کتاب‌های گیاه‌شناسی و

زیست‌شناسی خوانده‌اند، مثال بزنند. هیچ‌یک از این تحول‌ها نمی‌تواند مشابه تحول درونی انسان و انقلاب علیه خود باشد (انقلاب نفس لَوامه علیه مرتبهٔ دیگر نفس، یعنی نفس اماره)؛ برای تبیین این مفهوم، خوب است از آموخته‌های کتاب پایهٔ یازدهم، درس عزت نفس، دربارهٔ خودِ عالی و خوددانی کمک گرفته شود.

۳ انجام فعالیت «بررسی»

این فعالیت برای یادآوری آموخته‌های دانش‌آموزان در پایه‌های دهم و یازدهم است. دانش‌آموزان در پایهٔ دهم با نفس اماره و نفس لَوامه آشنا شده‌اند و در پایهٔ یازدهم درخصوص خودِ عالی و خوددانی نکاتی را آموخته‌اند.

مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود علیه دیگری انقلاب می‌کند؟

با توجه به آنچه دانش‌آموزان در پایهٔ یازدهم درخصوص خودِ عالی و خوددانی در درس «عزت نفس» خوانده‌اند و همچنین آنچه درخصوص نفس اماره و نفس لَوامه در درس «پر پرواز» در پایهٔ دهم آموخته‌اند، پاسخ این سؤال را این‌گونه می‌توان داد که منظور از انقلاب علیه خود این است که خودِ عالی علیه خودِ دانی قیام کند و او را به کنار بزند. اگر انسان علیه تمایلات ناپسند خود قیام کند، خودِ عالی او علیه خوددانی وی انقلاب کرده است؛ یعنی نفس لَوامهٔ انسان بر نفس اماره‌اش غلبه کرده است.

۴ توضیح دربارهٔ حقیقت توبه

اکنون پس از آنکه تفاوت انسان با سایر موجودات در انقلاب علیه خود روشن شد، در این مرحله با اصل توبه یعنی پشیمانی و بازگشت از گناه آشنا می‌شوید.

نکته مهم در این قسمت این است که معنای توبه در لغت یعنی بازگشت و در اینجا منظور بازگشت از گناه است. حال این سؤال مطرح می‌شود که چه زمان می‌توان گفت فردی از گناه بازگشت کرده یا به تعبیر بهتر توبه کرده است؟ پاسخ آن است که بازگشت از گناه یا همان توبه وقتی تحقق می‌یابد که فرد از انجام گناه پشیمان شده باشد و قصد انجام آن را نداشته باشد.

همکاران محترم به این نکته توجه کنند که همان‌طور که در کتاب نیز تأکید شده، صرف پشیمانی و قصد ترک گناه برای تحقق توبه کافی است. برخی سخت‌گیرانه این مطلب را مطرح می‌کنند که برای تحقق توبه صرف پشیمانی و قصد کافی نیست و در عرصهٔ عمل این قصد باید منجر به ترک گناه شود و اگر کسی دوباره گناه کند، توبه نکرده است، در حالی که بر مبنای روایات همین که کسی پشیمان شود و قصد ترک گناه کند، توبه کرده است هر چند در عمل باز هم وسوسه شود و گناه کند و قصدش عملی نشود.

برای مطالعه بیشتر در این خصوص به قسمت دانستنی‌های ضروری معلم در انتهای درس مراجعه

شود.

۵ تبیین رابطه توبه و پاکی نفس

طرح این قسمت برای آن است که دانش‌آموز به کارساز بودن توبه و اثر عمیق آن بی‌ببرد و انگیزه توبه و بازگشت از خطاها در او افزایش یابد. این قسمت نیز بیشتر، حالت موعظه دارد و دبیر محترم باید چنین روشی را در هنگام تدریس این قسمت، مورد نظر داشته باشد. درباره این سؤال که «چرا کسی که توبه می‌کند سیئاتش به حسنات تبدیل می‌شود؟» در قسمت «دانستنی‌های ضروری» توضیح داده خواهد شد.

۶ برخی از حیل‌های شیطان در به تأخیر انداختن توبه

در این قسمت برخی از روش‌های شیطان در دور کردن انسان از توبه بیان شده است. نکته مهم این است که جوان امروزی این موارد را به صورت ملموس درک کرده و با آن مواجه است. یعنی در این قسمت سعی شده برخی از وسوسه‌های شیطان که هر جوانی با آن مواجه می‌شود، بیان گردد و تذکراتی درخصوص مواجهه با این وسوسه‌ها مطرح شود.

۷ بیان مراحل تکمیلی توبه

توبه با پشیمانی انسان از گناه محقق می‌شود و تلاش برای ترک گناه و جبران حقوق الهی و حقوق مردم جزو مراحل بعدی است که فرد توبه‌کار باید انجام دهد. این نکته در همان فرمایش امام باقر علیه السلام درخصوص توبه بیان شد که ایشان فرمود: **كُفِيَ بِالْإِدْمِ تَوْبَةٌ**^۱

مواردی که در ادامه بحث توبه می‌آید یعنی تلاش برای دور شدن از گناه و جبران حقوق الهی و حقوق مردم، گام‌های بعدی است که فرد توبه‌کار باید جهت ادامه راه بردارد.

یعنی اگر فردی اکنون از گناهان خود توبه کند و همان لحظه بدون آنکه حقوق الهی و حقوق مردم را جبران کند، از دنیا برود، این فرد در آخرت جزو کسانی است که توبه کرده و مورد مغفرت خدا قرار گرفته و از جهت انجام گناهان مورد عقوبت قرار نمی‌گیرد. اما چون حق الناس به گردن اوست باید در آن جهان، رضایت صاحبان این حقوق را جلب کند.

۸ انجام فعالیت «بررسی»

در این فعالیت دانش‌آموزان بایستی راه‌حلی‌هایی که می‌تواند پس از توبه انسان را در ترک گناه یاری کند بیان کنند. مواردی مانند فاصله نینداختن میان حالت پشیمانی و تصمیم‌گیری، دعا و طلب یاری از خداوند، ایجاد امیدواری در خود، قراردادن جریمه برای خود در صورت ارتکاب مجدد گناه و... می‌تواند از جمله این راه‌حل‌ها باشد.

این پیشنهادها روی تابلو نوشته می‌شود و دانش‌آموزان راه‌های مؤثرتر را معین می‌کنند و دلیل خود را توضیح می‌دهند. این فعالیت می‌تواند در قالب جدول صفحه بعد ارائه شود:

مؤثرترین راه‌ها از میان راه‌های پیشنهاد شده	ردیف	راه‌های پیشنهاد شده برای ترک گناه	ردیف
	۱		۱
	۲		۲
	۳		۳
	۴		۴

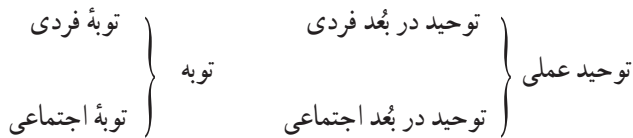
این فعالیت برای انجام کارگروهی بسیار مناسب است.

۹ انجام فعالیت «خود ارزیابی»

با توضیحات دبیر محترم، زمینه‌ای روحی و روانی برای دانش‌آموز فراهم می‌شود که خود را مورد ارزیابی قرار دهد و ببیند نسبت به کدام یک از حقوق دیگران و حقوق خداوند بی‌توجهی کرده است. این فعالیت نیز جنبه شخصی داشته، اگر دانش‌آموزی خودش مایل بود می‌تواند نتیجه فعالیتش را در کلاس ارائه کند که کاری خوب و پسندیده است و سبب درس گرفتن دیگران می‌شود.

۱۰ تبیین توبه اجتماعی

دبیر محترم این قسمت را برای دانش‌آموزان تبیین می‌کند و توضیح می‌دهد که چه تناظر و شباهتی میان دو قسم توحید عملی با دو قسم توبه وجود دارد.



توجه دادن دانش‌آموزان به توبه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری آنان را در قبال اجتماع بالا می‌برد و تقویت‌کننده وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز می‌باشد.

لازم است دانش‌آموزان یاد بگیرند که با هر منکر اجتماعی در همان مرحله شروع آن مبارزه کنند و نگذارند که آن منکر در جامعه ریشه بدواند و جایگاه و پایگاه مستحکمی برای خود دست و پا کند. همان‌طور که اگر یک فرد به گناهی عادت کرد و آن گناه در وجود او منزل ساخت، ترک آن گناه مشکل می‌شود، گناه

اجتماعی هم همین طور است؛ اگر گناهی در جامعه پا گرفت و به تدریج به دیگران سرایت کرد و یک امر عادی تلقی شد، حذف آن از سطح جامعه با مشکلات فراوان مواجه خواهد شد و مردم باید هزینه زیادی بابت حل آن بپردازند.

مشکلاتی از قبیل استفاده بی‌رویه از آب، نان و بنزین، پوشش نامناسب برخی از مردان و زنان، پایین بودن کارایی برخی از ادارات، بی‌توجهی برخی از افراد نسبت به اموال عمومی مانند پارک‌ها، خیابان‌ها و کتابخانه‌ها، پرداخت رشوه توسط برخی افراد، بی‌توجهی برخی نسبت به عزت اسلام و مسلمانان در جهان از بیماری‌هایی است که باید در همان ابتدا درمان شود.

۱۱ تبیین بخش «تا چه زمانی برای توبه مهلت داریم؟»

این قسمت درباره دو سؤال مهم است که می‌تواند در نگرش دانش‌آموز نسبت به موضوع مؤثر باشد.

سؤال اول این است که «تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟»

در پاسخ به این سؤال باید بر این موضوع تأکید کنیم که مهلت توبه اصلاً مشخص نیست علاوه بر این، هر چه زمان بگذرد انجام توبه مشکل‌تر و دردآورتر می‌شود و آدمی برای ترک یک گناه باید سختی بیشتری را تحمل نماید و گاه آنقدر مشکل می‌شود که توفیق توبه از آدمی سلب می‌گردد. آنگاه نیز که مرگ به سراغ آدمی می‌آید و رفتن از دنیا قطعی می‌گردد، توبه پذیرفته نیست.

سؤال دوم این است که «بهترین دوران برای توبه چه دورانی است؟» این سؤال مرتبط با سؤال قبل است و می‌خواهد بگوید که بهترین دوران، همان دوران جوانی است.

۱۲ انجام فعالیت «پیشنهاد»

مناجات التائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می‌گذارد؟

امام سجاد علیه السلام در مناجات التائبین به مواردی همچون خواری و ذلت، مردن قلب انسان و... اشاره کرده‌اند.

ب) چه اموری است که جز خداوند، دیگری توان انجام آن را ندارد؟

امام سجاد علیه السلام به مواردی مانند غفران اشاره فرموده‌اند.

ج) خداوند چه راهی پیش پای گناهکار قرار داده که راه عذر آوردن را بر او بسته است؟

طبق فرمایش امام علیه السلام، این راه توبه است که به روی همگان باز است.

الف) دانستنی‌های ضروری برای معلم

۱ آیا این‌گونه بیان مسئله توبه در کتاب درسی، موجب جسور شدن نوجوانان و گناه کردن آسان آنان نمی‌شود؟

برخی دبیران نسبت به شیوه پردازش کتاب در مسئله توبه اعتراض می‌کنند و می‌گویند این‌گونه بیان مطلب موجب می‌شود که نوجوان و جوان احساس کند توبه کردن کار راحتی است و از این‌رو ممکن است گناه کردن هم برایش راحت جلوه کند و بگوید گناه می‌کنم و بعد توبه می‌کنم.

در پاسخ به این مطلب باید توجه داشت که اولاً کتاب هیچ‌گاه چنین تصویری را برای مخاطب ایجاد نمی‌کند که گناه کن و بعد راحت توبه کن؛ بلکه کتاب می‌گوید توبه یعنی پشیمانی از انجام گناه. کسی که با خود می‌گوید من مدام گناه می‌کنم و بعد توبه می‌کنم، یعنی اصلاً از گناه خود پشیمان نیست، در حالی که کتاب با توجه به روایات، بر مسئله پشیمانی تکیه کرده و تأکید کرده که کسی که در همان لحظه توبه، قصد انجام مجدد گناه را داشته باشد، توبه کار واقعی نیست.

ثانیاً مطالب بحث توبه، برگرفته از آیات و روایات است و وقتی در متون دینی رحمت واسعه خداوند این‌گونه بیان شده است، چرا ما نسبت به آن بخل می‌ورزیم.

به این حدیث توجه کنید :

مردی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و گفت : من گناه می‌کنم. هنگامی که توبه کردم، چه بگویم؟ پیامبر فرمود : بگو : «أستغفر الله». مرد گفت : من توبه می‌کنم؛ اما باز هم [به سمت گناه] برمی‌گردم. فرمود : هرگاه گناه کردی، بگو «أستغفر الله».

مرد گفت : این‌گونه، گناهانم زیاد می‌شود.

فرمود : عفو و بخشش خدا بیشتر [از آن] است [که تو خیال می‌کنی]. تو همیشه توبه کن تا اینکه شیطان، شکست خورده و فراری شود^۱.

اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید :

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»^۲ یقیناً خدا کسانی را که بسیار توبه می‌کنند، دوست دارد.

«توَاب» به اصطلاح علم صرف، صیغه مبالغه و به معنای «زیاد توبه کننده» است؛ توَاب اینجا به معنای کسی است که گناه کرده، بعد توبه کرده، اما باز هم به سوی گناه برگشته است و دوباره یا چند باره توبه کرده است.

به این حدیث توجه کنید :

ابوبصیر می گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره «توبه نصوح» پرسیدم. فرمودند: [مقصود از توبه نصوح، توبه از] گناهی است که بنده به سوی آن باز نگردد. ابوبصیر می گوید به امام عرض کردم: کدام یک از ما می تواند بعد از توبه به طرف گناه برنگردد؟ [یعنی من کسی را سراغ ندارم که بعد توبه کردن دیگر به سمت گناه نرود]. امام فرمودند:

ای ابومحمد، خدا از بندگانش کسی را که دچار فتنه گناه می شود و زیاد توبه می کند، دوست دارد.^۱

۲ نمونه هایی از توبه:

الف) زُهرین قین یکی از کسانی بود که معتقد بود امیرالمؤمنین علی علیه السلام در قتل عثمان دخالت داشته است؛ به همین جهت با امام خوب نبود. در زمانی که امام حسین علیه السلام از مکه به سمت عراق می رفت، او هم از سمت مکه به عراق (کوفه) در مسافرت بود. تردید داشت که با امام روبه رو شود یا نه. در عمق دلش مردی مؤمن بود و می دانست که امام حسین علیه السلام فرزند پیامبر است و چه حقی بر این امت دارد. در یکی از منازل بین راه، اجباراً با امام در یک جا فرود آمد. امام شخصی را به دنبالش فرستاد. زهیر که رئیس قبیله خود بود، با کسان خود در خیمه ای مشغول صرف ناهار بود. فرستاده امام آمد و گفت: ای زهیر، دعوت امام را اجابت کن.

زهیر رنگش پرید و دستش در سفره ماند. نمی دانست چگونه فرستاده را رد کند.

زن با ایمانی داشت. جلو آمد، سکوت را شکست و با ملامت عجیبی فریاد زد: ای زهیر! خجالت نمی کشی؟ پسر پیامبر، پسر فاطمه زهرا تو را خواسته و تو پاسخ او را نمی دهی؟

زهیر برخاست و با کراهت به سمت امام رفت. اما وقتی بازگشت چهره ای شاد و خندان داشت. امام انقلابی در وجودش ایجاد کرده بود. آمد، وصیت خود را کرد و با امام راهی کربلا شد و به مقام شهادت رسید.^۲

ب) بیان توبه افرادی همچون طیب رضایی، شاهرخ (حز انقلاب) و... می تواند برای دانش آموزان جذاب باشد. شاهرخ ضرغام کسی بوده است که سال ها از دوران جوانی خود را به دعوا و درگیری و معاشرت با رفقای نااهل گذراند و حضور در کاباره، چاقو کشی و... از برنامه های وی بود. اما پیروزی انقلاب و سپس آغاز جنگ باعث شد که وی از گذشته خود توبه کند و به یکی از فرماندهان جنگ تبدیل شود. زندگینامه وی در کتاب «شاهرخ، حز انقلاب» چاپ شده است.

طیب حاج رضایی نیز از لات های مشهور تهران در قبل از انقلاب و از مریدان و سینه چاکان شاه و دربار بود به گونه ای که عکس رضاشاه را بر روی شکم خود، خالکوبی کرده بود. اما وی نیز با شناخت از امام خمینی علیه السلام، شیفته او می شود و در این راه جان خود را از دست می دهد.

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۳۲

۲- مجموعه آثار، استاد مطهری، ج ۲۳، ص ۵۷۴.

۲ مقصود از تبدیل سیئات به حسنات، در آیه ۷۰ سورة فرقان :

خداوند در این آیه می‌فرماید کسی که توبه کند و مؤمن شود و عمل صالح انجام دهد، بدی‌هایش را به نیکی‌ها مبدل می‌کند، چرا که خداوند آمرزنده و رحیم است. سؤال این است که خداوند چگونه سیئات را به حسنات و گناهان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند؟ و آیا این سبب ظلم به کسانی که در ابتدا نیکی کرده‌اند نمی‌شود؟ مرحوم علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان، ذیل همین آیه، ضمن نقل اقوال مختلف، نظر خود را که نظری بسیار دقیق و عمیق است، بیان می‌دارد. این نظر در اینجا آورده می‌شود تا دبیران محترم آن را مطالعه نمایند. روشن است که این بیان عمیق، مناسب دانش‌آموزان نیست. پس از ذکر نظر علامه، توضیحاتی که برای دانش‌آموزان مناسب است، خواهیم داد.

مرحوم علامه پس از ذکر اقوال مختلف و اینکه این اقوال از ظاهر آیه عدول کرده‌اند، می‌فرماید: «...ظاهر جمله «بیدل الله سیئاتهم حسنات»، بخصوص با در نظر داشتن ذیل آن که می‌فرماید «وكان الله غفوراً رحيماً»، این است که هر یک از گناهان، خودشان مبدل به حسنه می‌شوند... این ظاهر آیه است و باید با حفظ این ظاهر چاره‌ای اندیشید. آنچه به نظر ما می‌رسد این است که ببینیم ماهیت گناه چیست؟ آیا خود فعل و متن عمل بد گناه است و در مقابل، متن فعلی دیگر ثواب؟ یا اینکه خود فعل و حرکات و سکنتاتی که فعل از آن تشکیل شده، در گناه و ثواب یکی است (مثلاً فعل خوردن در غذای غصبی و غذای غیر غصبی یا فعل آمیزش در زنا و با همسر یا فعل قتل در قتل عمد و در جهاد یکی است). و اگر اصل فعل در این دو یکی است که همین‌طور هم هست، پس گناه شدن گناه و ثواب شدن ثواب از کجاست؟ مثلاً عمل زنا و نکاح چه فرقی با هم دارند که یکی گناه شده است و دیگری ثواب؟ یا اینکه حرکات و سکنتاتی که عمل از آن تشکیل شده، در هر دو یکی است. همچنین است خوردن؛ در خوردن حلال و خوردن حرام. خواهیم دید تفاوت این دو در موافقت و مخالفت با خداست، موافقت و مخالفتی که در انسان اثر گذاشته و در نامه‌اش نوشته می‌شود (نامه، با آن حقیقتی که دارد، خود عمل است نه نوشته از روی عمل؛ نسخه‌برداری از عمل نیست، بلکه خود عمل نسخه‌برداری شده است)، آن فعل خارجی نیست که نوشته می‌شود؛ چون آن فعل و آن حرکات و سکنتات که آن را زنا یا نکاح یا خوردن می‌گوییم، به هر حال فانی شده و از بین می‌رود (چون ماهیت آنها زمانی و فانی شونده است). این افعال، تا یک جزش فانی نشود، نوبت به جزء بعد آن نمی‌رسد. پرواضح است که وقتی خود فعل از بین رفت، عنوانی هم که ما به آن می‌دهیم، چه خوب و چه بد، فانی می‌شود؛ حال آنکه ما می‌گوییم عمل انسان مانند سایه او را دنبال می‌کند (درحقیقت این پوسته‌ظاهری فعل است که ما در مرتبه اول فکر می‌کنیم اصل عمل است. آنچه که حقیقت فعل را تشکیل می‌دهد و آثارش در وجود ما می‌ماند و ثبت می‌شود، روح و باطن این فعل است). بنابراین مقصود، آثار واقعی عمل است که عقاب یا ثواب را به دنبال دارد و همواره با آدمی است و در روز «تبلی السرائر» خود را نمایان می‌کند.

این را نیز می‌دانیم که اگر باطن و درون کسی، شقی یا مشوب (= آمیخته) به شقاوت نباشد، هرگز مرتکب عمل زشت و گناه نمی‌شود و اگر همان حرکات و سکناتی را که در یک فرد شقی به صورت زنا جلوه‌گر می‌شود انجام دهد دیگر زنا و کار زشت محسوب نمی‌شود. بنابراین، اعمال زشت از آثار شقاوت و خبیث بودن باطن و درون آدمی است که برخی از ذات‌ها و درون‌ها به‌طور کامل و تماماً شقی شده و برخی ذات‌ها آمیخته به خبیثات و شقاوت است.

حال اگر چنین باطن و درونی از راه توبه، ایمان و عمل صالح به درونی طیب و ظاهر و خالی از شقاوت و خبیثت تبدیل شود، آن درون و ذات به درونی تغییر یافت که هیچ ذره‌ای از شقاوت در آن نبود، لازمه این تبدیل این است که آن محتوا و آثار این درون هم که از قبل داشت و ما نام گناه بر آن نهاده بودیم، با مغفرت و رحمت خدا مبدل به محتوا و آثاری شود که با نفس سعید و ظاهر مناسب باشد (چرا که آن محتوا جزئی جدایی‌ناپذیر از درون و تغییر درون به معنای تغییر این محتوا و آثار هم هست و نمی‌شود که درون پاک باشد، اما محتوا و آثارش آلوده باشد) بدین ترتیب عنوان گناه هم از آن برداشته می‌شود و عنوان حسنه و ثواب به خود می‌گیرد...»

البته این تبدیل، از رحمت و مغفرت خداوند است که در آخر آیه ما را بدان آگاهی می‌دهد شاید هم این تبدیل به خاطر سختی و استقامتی است که فرد توبه‌کار تحمل می‌کند تا بتواند صفات ناپسندی را که درونش خانه کرده و بدان‌ها عادت کرده بود را کنار بگذارد و آراسته به صفات حمیده شود.

در عین حال، این تبدیل، ستمی به فردی که از ابتدا نیکو کار بوده، محسوب نمی‌شود، زیرا خداوند از همان ابتدا هر عمل نیک شخص نیکوکار را با ده برابر کردن ثبت کرده و عمل بد گناهکار را به همان اندازه عمل ثبت نموده است. علاوه بر این، این تبدیل برای توبه‌کاری است که با ایمان قوی و عمل صالح فراوان هزینه آن را پرداخته است و چنین تبدیلی متناسب و در حد ایمان و عمل اوست.

۲ شعری از مولوی درباره توبه :

توبه را از جانب مغرب دری	باز باشد تا قیامت بر وری
تا ز مغرب برزند سر آفتاب	باز باشد آن در از وی رومتاب
هست جنت را ز رحمت هشت در	یک در توبه است ز آن هشت ای‌سپر
این همه گه باز باشد گه فراز	وان در توبه نباشد جز که باز
هین غنیمت‌دار در باز است زود	رخت آنجا کش به کوری حسود
پیش از آن کز قهر در بسته شود	بعد از آن زاری تو کس نشنود
بازگرد از کفر و این در باز یاب	تانگردی از شقاوت ردّ باب

«احکام الهی در زندگی امروز»

درس نهم

قسمت اول: کلیات

الف) هدف‌ها

- ۱ هدف کلی: تبیین فلسفه احکام و آشنایی با برخی احکام الهی در عرصه فرهنگ، ورزش و اقتصاد
- ۲ هدف‌های آموزشی:
 - تبیین لزوم توجه انسان به احکام الهی
 - تبیین چرایی تشریح احکام الهی
 - آشنایی با برخی از احکام متناسب با نیازهای امروز

ب) ارتباط با درس قبل

در درس قبل، دانش‌آموزان آموختند که برای پاک‌شدن از گناهان بایستی به درگاه الهی توبه کنند. توبه آغاز یک حرکت است. حرکت به سوی رشد و سعادت. این رشد در عمل به دستورات الهی نهفته است. این درس به لزوم توجه به دستورات الهی و ذکر برخی از این دستورات می‌پردازد.

ج) محورهای اصلی درس

- ۱ لزوم اتخاذ دین به عنوان تکیه‌گاهی مطمئن در زندگی خود
- ۲ چرایی تشریح احکام و قوانین الهی
- ۳ ذکر برخی از احکام و قوانین الهی در سه عرصه فرهنگ، ورزش و اقتصاد

قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی — یادگیری

الف) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

بهترین روش در این درس، طرح چالش‌ها و مسائل دانش‌آموزان در خصوص چرایی عمل به احکام الهی است. دانش‌آموزان معمولاً این پرسش‌ها را دارند که چرا باید به احکام الهی پایبند باشند؟ چرا دین برای آنها یک سری بایدها و نبایدها تعیین می‌کند؟ چرا اسلام در برابر برخی فرهنگ‌های برآمده از غرب مقاومت می‌کند و آن را نمی‌پذیرد؟ چگونه می‌توان در دنیای امروز به احکام پایبند بود؟ دبیر محترم می‌تواند ابتدا خود یکی از این سؤالات را طرح کند و شرایط را برای گفت‌وگوی دانش‌آموزان آماده نماید. البته دبیر باید سؤال‌های دانش‌آموزان را جهت‌دهی کند و در چارچوب موضوعات درس سازماندهی نماید.

ب) مراحل تدریس:

مراحل تدریس این درس به ترتیب زیر است :

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت صحیح آیات
۲	طرح مقدمه و معرفی دین به عنوان یگانه راه اطمینان برای سعادت انسان
۳	انجام فعالیت «تدبر در قرآن»
۴	بیان برخی احکام در عرصه فرهنگ، ورزش و اقتصاد
۵	انجام فعالیت «بررسی»

۱ قرائت صحیح آیات

این قسمت به شیوه درس‌های قبل عمل خواهد شد.

۲ طرح مقدمه و معرفی دین به عنوان تکیه‌گاه مطمئن برای انسان

در این قسمت چند نکته اساسی وجود دارد که باید توسط دبیران به خوبی برای دانش‌آموزان تبیین شود : اول آنکه دین به دنبال سعادت انسان هم در دنیا و هم در آخرت است در حالی که بسیاری از مکاتب بشری

تنها به زندگی دنیوی توجه دارند و از این رو گاه انسان را به سوی اعمال و رفتارهایی می‌کشاندند که موجب خسارت انسان در آخرت می‌شود.

از همین منظر علت وضع برخی قوانین سخت‌گیرانه کاملاً مشخص است، زیرا انسان‌ها چون از تأثیر برخی اعمال بر سرنوشت خود در آخرت با خبر نیستند، این روال را مطرح می‌کنند که چرا خداوند برای فلان گناه، چنین مجازات شدید و سختی را قرار داده است. در حالی که باید توجه داشت که خداوند عالم و حکیم براساس میزان موانعی که هر یک از گناهان در مسیر سعادت انسان در دنیا و آخرت ایجاد می‌کند، مجازات‌های مختلفی را قرار داده است.

دوم: عمر انسان، سرمایه‌ای است که هیچ‌گاه باز نمی‌گردد. این سرمایه باید در مسیر مطمئن هزینه شود و آلا انسان همه هستی خود را از دست داده و گرفتار خسران عظیم می‌شود. پس باید عمر و زندگی خود را با تکیه بر تعالیم دین پیش برد تا دچار خسران نشویم.

سوم: برخی جوانان به خواست و علاقه و دوست داشتن خود تأکید می‌کنند و می‌گویند: چرا کاری را که علاقه نداریم و نمی‌پسندیم باید انجام دهیم؟ در این مورد، باید آنان را به قضاوت عقل ارجاع داد و با استفاده از آیه ۲۱۶ سوره بقره، پاسخ روشن و شفاف در اختیار آنان گذاشت. تفاوت یک انسان عاقل و متفکر از جاهل، در استفاده از عقل است. یک انسان عاقل، پیش از آنکه بگوید: «فلان امر را دوست دارم»، می‌گوید «آن امر درست است یا غلط؟» و انسان عاقل برای تشخیص درستی یا نادرستی هر کاری به متخصص و کاردان مراجعه می‌کند. دین و احکام دینی را کاردارترین و داناترین یعنی خداوند به انسان هدیه کرده است، پس انسان عاقل کسی است که برای انجام یک کار، پیش از دوست داشتن خودش، جست‌وجو می‌کند که بداند آیا این کار واقعاً برای او مفید است یا نه و برای تشخیص بسیاری از کارها از خداوند می‌پرسد و فرمان خدا را مورد توجه قرار می‌دهد.

چهارم: برخی جوانان می‌گویند که «ما تا ندانیم چرا باید فلان کار را انجام دهیم، آن را انجام نمی‌دهیم». در این مورد باید توضیح داد که علت اصلی و کلی انجام اوامر الهی مشخص است و آن رسیدن به سعادت و کمال جاودانی است اما در مورد فایده جزئی هر کار، می‌گوییم البته بهتر است که انسان فایده و نتیجه هر کاری را که می‌کند بداند، اما در برخی موارد، این شناخت مقدور نیست مثلاً دارویی که پزشک به مریض می‌دهد براساس این شناخت کلی است که این دارو شفابخش است، اما مریض نمی‌داند که این دارو چگونه اثر می‌کند و چه فرایندی را در بدن طی می‌کند.

پس باید توجه کنیم که اگر کسی بگوید تا ندانم که این دارو چگونه اثر می‌کند آن را استفاده نمی‌کنم، فقط به خودش ضرر زده است نه به کس دیگر. در مورد احکام الهی هم همین گونه است. البته خوب است که هر فردی تلاش کند تا علت احکام خداوند را بداند و این عملی بسیار ارزشمند است. اما اگر بگوید تا علت

حکم را ندانم، بدان عمل نمی‌کنم به زیان خودش رفتار کرده و هیچ انسان عاقلی چنین نمی‌کند.

۳ انجام فعالیت «تدبر در قرآن»

۱- زندگی محکم و استوار بر چه پایه‌هایی بنا می‌شود؟

تقوا و خشنودی خداوند

۲- مقصود از بنای زندگی بر لبه پرتگاه چیست؟

یعنی انسان به جای اینکه سبک زندگی خود را بر مبنای دین و دستورات الهی قرار دهد که پشتوانه‌ای محکم و قابل اعتماد است، هوی و هوس و مکاتب دنیوی را مبنای معیار زندگی خود قرار دهد که سرانجامی تاریک به دنبال دارد.

۳- چرا خداوند کسانی را که زندگی خویش را بر لبه پرتگاه بنا کرده‌اند، ظالم نامیده است؟

چون این افراد حداقل به خود و زندگی خود ظلم می‌کنند، زیرا با انتخاب مسیری نادرست، عقوبتی دردناک را برای خود رقم می‌زنند و آخرتی تباه شده را برای خود به وجود می‌آورند.

۴ بیان برخی احکام در عرصه فرهنگ، ورزش و اقتصاد

احکامی که در این سه حوزه مطرح شده است دو دسته‌اند: برخی از آنها مربوط به قوانین جامعه است و به‌طور طبیعی مربوط به حوزه حاکمیت ولی فقیه است. در این قبیل موارد باید تابع نظر ولی فقیه بود و فتوای ایشان بنا به نظر سایر فقها لازم الاجراست.

برخی دیگر احکام فردی است و هر شخص باید مطابق نظر مرجع تقلید خود عمل کند. البته در غالب احکامی که در این قسمت آمده است، مراجع معظم تقلید نظرات مشابه و یکسانی دارند، گرچه برای نوشتن این احکام، به فتاوی رهبر معظم انقلاب اسلامی مراجعه شده است.

نکته مهم: برخی دانش‌آموزان با دیدن برخی احکام که مخاطب آن مسئولان هستند، می‌گویند چرا این احکام را به جای مسئولان به ما می‌گویید؟ پاسخ این است که اولاً دانش‌آموزان امروزی همان مسئولان فردا هستند پس لازم است در همین دوران با حلال و حرام الهی در عرصه مسئولیت‌های مختلف آشنا شوند ثانیاً دانستن این مطالب موجب می‌شود حس مطالبه‌گری نوجوانان از همین سن تقویت شود. نوجوانان باید بدانند وظایف مسئولان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و... از منظر شرع چیست تا در صورت تخلف سکوت نکنند و معترض شوند.

۵ انجام فعالیت «بررسی»

برخی می‌گویند: ما از کالای ایرانی استفاده خواهیم کرد به شرطی که بهتر یا هم ردیف کالای خارجی باشد.

این سؤال برای بحث و بررسی میان دانش‌آموزان قرار داده شده است و هدف این است که بحث کالای

ایرانی و توجه به آن مورد گفت‌وگو قرار گیرد. البته قطعاً تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان بر گزاره بالا مهر تأیید می‌زنند اما بهتر است شما به عنوان دبیر نکات ذیل را به آنها یادآور شوید :

۱- آیا برخی از کالاهای خارجی با کیفیتی که می‌خریم، از روز اول همین کیفیت را داشتند؟ مثلاً می‌دانید که کره جنوبی، هفده سال واردات لوازم خانگی را ممنوع کرد تا ال جی و سامسونگ به اینجا رسیدند؟ اگر کالاهای داخلی خریداری نشوند، سرمایه‌گذار با کدام بازگشت سرمایه تحقیق و توسعه کیفی انجام بدهد؟

۲- خیلی از افرادی که می‌گویند ما فقط جنس خارجی می‌گیریم چون جنس ایرانی کیفیت ندارد و جنس خارجی کیفیتش خوب است نمی‌دانند که بسیاری از این اجناس به اصطلاح خارج، در داخل تولید شده است و تنها برچسب خارجی خورده است. پس چطور است که خیلی از جنس‌های ایرانی را فقط با زدن یک برچسب تقلبی خارجی به چند برابر قیمت می‌خریم و افتخار می‌کنیم که مارک معروف خریدیم و از کیفیتش هم شکایتی نمی‌کنیم؟!

پایه‌های استوار

درس دهم

قسمت اول: کلیات

الف) هدف‌ها

- ۱ هدف کلی: تبیین معیارهای یک تمدن متعالی از نظر اسلام
- ۲ هدف‌های آموزشی
 - آشنایی با رهنمودهای قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام درباره معیارهای تمدن متعالی
 - توانایی تبیین معیارهای تمدن متعالی براساس قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام

ب) ضرورت اختصاص قسمتی از کتاب به موضوع دین و تمدن

این بخش، آخرین قسمت از مجموعه درس تعلیمات دینی و قرآن در سه دوره ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم است. هدف اصلی این مجموعه آموزشی، معرفی دین اسلام به عنوان دین زندگی و برنامه‌ای برای کامیابی و سعادت در دنیا و آخرت است؛ به گونه‌ای که نه تنها دیدگاه و نگرشی متعالی و برتر درباره توحید، معاد، نبوت، امامت و سایر اعتقادات در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد، بلکه روش برنامه‌ریزی برای یک زندگی مبتنی بر دین نیز آموزش داده شود. برنامه‌ای که هم زندگی فردی او را به خوبی تنظیم کند و هم زندگی اجتماعی را در بهترین نظم و سامان خود اداره نماید.

اکنون که دانش‌آموزان به پایان دوره متوسطه دوم رسیده‌اند، در شرایطی قرار دارند که می‌توانند آموخته‌ها را با واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی تطبیق دهند و برخی از مسائل جدی را که ناظر به واقعیت‌هاست، طرح نمایند. آنان می‌گویند: همه آن آموخته‌ها در یک طرف، و واقعیت دیروز و امروز جوامع اسلامی در طرف دیگر؛ آیا این واقعیت‌ها با آن آموخته‌ها قابل تطبیق است؟

□ اگر دین اسلام، دین همهٔ زمان‌هاست، چرا مسلمانان در ساختن یک زندگی متعالی و تمدن برتر بازمانده‌اند؟

□ آیا عقب‌ماندگی ما مسلمانان مربوط به اعتقادات ما است؟

□ اگر دین اسلام در چند قرن پیش توانست تمدن‌سازی کند، آیا این توانایی را همچنان دارد؟

□ ما با توجه به اعتقادات اسلامی خود، چه موضعی نسبت به تمدن جدید و مظاهر آن باید داشته باشیم؟

□ عظمت تمدن جدید که با منزوی کردن دین مسیحیت به دست آمد، قابل انکار نیست؛ آیا این موضوع

نسبت به ادیان دیگر هم صدق می‌کند؟

□ کدام یک از جنبه‌های تمدن جدید با اسلام سازگار و کدام جنبه ناسازگار است؟

مسائلی از این قبیل، که مسئله‌های جدی و روزمرهٔ جوانان این مرز و بوم است پرداختن به موضوع دین و تمدن را ضروری می‌سازد. امید است که جوانان و نوجوانان ما توانایی نقد و بررسی تمدن جدید را با تکیه بر مبانی پذیرفته شدهٔ خود بیابند و مستقل از تبلیغات جهانی تصمیم‌گیری کنند.

یکی از آسیب‌های بزرگی که جوانان و نوجوانان را تهدید می‌کند خود باختگی در مقابل اندیشه‌های غربی، حتی در هنگام نقد تمدن جدید است. دانش‌آموزان ما باید به مرتبه‌ای از آگاهی، استقلال فکری و عزت نفس برسند که دیگران را با معیارهای پذیرفته شدهٔ خود نقد و ارزیابی نمایند. این بخش از کتاب، آموزش این معیارها و رساندن دانش‌آموزان به چنین مهارتی را برعهده دارد.

تذکر: با توجه به اینکه این بحث قبلاً در کتاب‌های درسی طرح نشده و دبیران محترم به تدریس آن نپرداخته‌اند، نیاز به آمادگی بیشتر علمی و مهارتی است؛ لذا شایسته است که قبل از تدریس این درس‌ها حتماً این قسمت از کتاب راهنمای معلم به دقت مطالعه گردد و برخی از کتاب‌های معرفی شده، خوانده شود. روشن است که داشتن اطلاعات مناسب دربارهٔ تمدن اسلامی و تمدن جدید برای دبیر دینی و قرآن از ضروریاتی است که موقعیت در تدریس را به شدت افزایش می‌دهد و به دانش‌آموزان برای تصمیم‌گیری سنجیده در برخورد با تمدن جدید کمک می‌کند. ما نیز برای شما عزیزان آرزوی موفقیت و سلامتی داریم.

ج) پیش‌دانسته‌ها

این درس به همراه درس دیگر دربارهٔ تمدن اسلامی، تمدن جدید و نقد و بررسی آنها براساس معیارهای اسلامی است و با مجموعه‌ای از دانسته‌های دانش‌آموز دربارهٔ دین، فرهنگ و ادب اسلامی، تاریخ ایران و اسلام و تاریخ معاصر ارتباط دارد؛ دانسته‌هایی که دانش‌آموزان در طول سال‌های تحصیلی در درس‌هایی مانند دین و زندگی، زبان و ادبیات فارسی، تاریخ، مطالعات اجتماعی و هنر آموخته‌اند. به میزانی که اطلاعات آنان در این موضوعات بیشتر باشد، نقد و بررسی این دو تمدن نیز بهتر و عمیق‌تر صورت خواهد گرفت.

د) ارتباط با درس قبل

همان طور که در ابتدای این بخش تذکر داده شد، این درس، با مجموعه آموخته‌های دانش‌آموزان در طول سال‌های تحصیل، در حوزه دین و تعلیمات دینی، ارتباط دارد. این ارتباط هم پیش از آنکه یک ارتباط موضوعی و منطقی باشد، یک ارتباط روشی و کاربردی است. در واقع، این درس و درس‌های آینده پاسخ به پرسش‌های متعدد دانش‌آموزان درباره توانایی دین در تمدن‌سازی، تمدن اسلامی و تمدن جدید است که برخی از آن سؤال‌ها در ابتدای بخش طرح گردید. به همین جهت، این درس نه تنها با قسمت اول کتاب ارتباط دارد، بلکه با مجموعه درس‌های دینی در سه دوره تحصیلی مرتبط است.

دانش‌آموزان در این درس درمی‌یابند که نه تنها دین توانایی تمدن‌سازی دارد، بلکه به دنبال ساختن تمدنی با معیارها و محتوای ویژه است. این معیارها برگرفته از قرآن کریم و سخنان معصومین و شیوه عمل آنان در دوره حیاتشان است.

ه) محورهای اصلی درس

- ۱ تمدن اسلامی بر پایه اعتقاد به توحید، پرستش خدای یگانه و اعتقاد به معاد بنا شده است.
- ۲ عدل، برابری و مساوات اصل اساسی نظام اسلامی، و مبارزه با ظلم و ستم از وظایف مهم جامعه اسلامی است. در نظام اسلامی انسان‌ها با یکدیگر برابری و روابط اقتصادی و سیاسی بر پایه عدل و قسط استوار و تبعیض‌ها و تفاوت‌های قومی و نژادی مردود شمرده شده است.
- ۳ در تمدن اسلامی فضای عقلانیت، تفکر و اندیشه حاکم است و عالمان و صاحبان خرد دارای ارج و منزلت هستند و خرافه‌گرایی مردود است.
- ۴ تمدن اسلامی یک تمدن معتدل و متعادل است و مردم در عین هدف قرار دادن معنویت، اخلاق و آخرت، به آبادانی زندگی دنیایی خود نیز می‌پردازند و از مواهب الهی بهره می‌برند.
- ۵ در تمدن اسلامی، خانواده نقش محوری دارد و فعالیت‌های اعضای خانواده در جهت تحکیم بنیان خانواده تنظیم می‌شود.
- ۶ در تمدن اسلامی، آنچه ملاک دوستی‌ها و دشمنی‌ها و صف‌بندی‌های اجتماعی است، حق و باطل است. تمدن اسلامی تقویت‌کننده جبهه حق و نفی‌کننده جبهه باطل است.
- ۷ ما مسلمانان وظیفه داریم تمدنی با این معیارها بنا کنیم.

الف) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

از آنجا که این درس، اولین درس بخش دین و تمدن است، بهترین روش برای آماده‌سازی، اخذ و طرح مسئله‌هایی است که دانش‌آموزان در این مورد دارند و ذهنشان را به خود مشغول داشته است. دبیر محترم می‌تواند ابتدا خود یکی از این مسئله‌ها را طرح کند و شرایط را برای گفت‌وگوی دانش‌آموزان و طرح سؤال از جانب آنان آماده نماید. البته دبیر باید بکوشد که سؤال‌های دانش‌آموزان را جهت‌دهی کند و در چارچوب موضوعات درس سازماندهی و دسته‌بندی نماید.

همچنین دبیر محترم می‌تواند نظر دانش‌آموزان را دربارهٔ تمدن جدید و تمدن اسلامی جویا شود. البته ممکن است که دانش‌آموزان نظرات متفاوت و حتی متناقضی بدهند و یا برخی از آنان موضع‌گیری صددرصد جانب‌دارانه‌ای از تمدن داشته باشند. طرح این دیدگاه‌ها خود، انگیزه‌ساز توجه به درس و ورود در تدریس است و نباید از آن نگران بود.

همواره باید بکوشیم تا دانش‌آموز بتواند سؤال‌ها، دغدغه‌ها و حتی دیدگاه‌های غیر معقول خود را در فضای تعریف شده و جدی و هدایت‌شدهٔ کلاس طرح کرده و پاسخ صحیح و مناسب را از دبیر خود دریافت کند. اگر دانش‌آموز، دبیر دینی خود را پناه فکری و اخلاقی خود بیابد، از طرح سؤال‌اتش نزد افراد غیرمتخصص و غیر قابل اعتماد پرهیز می‌کند و زمینه‌های انحراف به حداقل کاهش می‌یابد.

البته قالب‌ها و روش‌هایی که دبیران برای آماده‌کردن کلاس انتخاب می‌کنند، می‌تواند به تعداد دبیران، متنوع و متفاوت باشد؛ به شرطی که در محدودهٔ محتوای درس و هدف‌های تعیین شده انجام پذیرد. چه بسا که یک دبیر از یک مناظرهٔ کوتاه نمایشی میان دو دانش‌آموز که یکی از تمدن اسلامی طرفداری می‌کند و دیگری از تمدن جدید، کمک بگیرد. یا دبیری دیگر خاطرهٔ سفر به یک کشور اروپایی را برای آغاز بحث انتخاب کند. همهٔ این روش‌ها قابل استفاده‌اند به شرطی که با هدف درس هماهنگی داشته باشند.

توجه : در تمام مراحل تدریس این درس، می‌توان از فیلم‌ها و عکس‌ها که آثار تمدنی جهان اسلام را نشان می‌دهند استفاده نمود.

ب) مراحل تدریس

همان‌طور که قبلاً نیز تذکر داده شده، انتخاب روش تدریس، متناسب با موضوع و محتوای درس و

شرایط کلاس و جمعیت دانش‌آموزان توسط دبیر انجام می‌گیرد. اما عموماً محتوای درس‌ها به گونه‌ای است که نیازمند انتخاب روش‌های تلفیقی همراه با فعال کردن دانش‌آموزان می‌باشد. با توجه به نکته فوق، درس دهم باید بر محور فعالیت دانش‌آموزان به صورت فردی یا گروهی پیش رود و آنها، خود، معیارها را استخراج کنند و با راهنمایی دبیر نتیجه‌گیری نمایند. مراحل تدریس این درس به ترتیب زیر است:

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت صحیح آیات
۲	تبیین داستان آغازین کتاب
۳	تبیین معیار اول و دوم
۴	انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۱)»
۵	تبیین معیار سوم
۶	انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۲)»
۷	تبیین معیار چهارم
۸	انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۳)»
۹	تبیین معیار پنجم
۱۰	انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۴)»
۱۱	تبیین معیار ششم
۱۲	انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۵)»
۱۳	تبیین معیار هفتم
۱۴	انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۶)»
۱۵	تبیین معیار هشتم
۱۶	انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۷)»

۱ قرائت صحیح آیات به شیوه درس‌های قبل

۲ تبیین داستان آغازین کتاب

شروع درس با یک داستان کوتاه درباره روزهای آغاز بعثت رسول خداست. هدف از طرح این داستان

نشان دادن عظمت کار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که چگونه در نقطه‌ای دور افتاده از کشورهای متمدن و در سرزمینی که کسی آن را به حساب نمی‌آورد، به رسالت مبعوث شد و در مدتی اندک، پیام الهی ایشان در جهان گسترش یافت و قلب‌های انسان‌های بی‌شماری را تسخیر نمود و پایه‌گذار یک تمدن بزرگ شد.

این داستان، عزت نفس، استقامت روحی، پشتکار، پایداری، ایمان، توکل و بسیاری از خصلت‌های متعالی را که برای یک حرکت عظیم ضروری است، به صورت غیر مستقیم به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند.

۲ تبیین معیار اول و دوم

از این مرحله به بعد، کار اصلی درس شروع می‌شود و دانش‌آموزان به استخراج معیارها می‌پردازند. آنها ابتدا بند اول را مطالعه می‌کنند و سپس فعالیت تدبیر در قرآن را انجام می‌دهند. البته در صورتی که دبیر محترم لازم بداند، درباره بند اول توضیح می‌دهد و نکات مهم آن را یادآوری می‌کند و ارتباط آیه ۶۲ سوره بقره را با بند اول بیان می‌نماید.

توجه: دبیران محترم ممکن است با این سؤال مواجه شوند که چرا معیارهای تمدن متعالی را از اسلام بگیریم؟ آیا بهتر نیست که این معیارها را بدون مراجعه به دین خاص و به صورت آزاد مشخص کنیم و آنگاه تمدن‌ها را بر آن تطبیق دهیم؟

پاسخ این است که معیارهای تمدن متعالی ارتباط مستقیمی با مبانی و دیدگاه دارد و نمی‌تواند فارغ از مبانی باشد. بنابراین، معیارهای تمدن، متناسب با دیدگاه‌های مختلف، متفاوت می‌شود، گرچه ممکن است در برخی معیارها اشتراک وجود داشته باشد. ما معتقدیم که دین اسلام با فطرت انسانی هماهنگ است و معیارهای تمدنی اسلام، معیارهایی فطری است که هر کس با عقل فطری خود در این معیارها تفکر کند، درست بودن آن را می‌پذیرد.

همچنین، به این موضوع توجه کنیم که گاهی این بی‌طرفی از طرف کسانی درخواست می‌شود که خودشان هنگام بررسی و نقد تمدن جدید از همان معیارهایی کمک می‌گیرند که از متن این تمدن گرفته شده و با همان معیارها نیز تمدن‌های دیگر، از جمله تمدن اسلامی را نقد می‌کنند. استقلال فکری و عزت نفس ما حکم می‌کند که با معیارهای «خود» و برخاسته از اندیشه‌های دینی «خود»، دیگران را نقد کنیم و تسلیم فکری دیگران نباشیم و فرزندان خود را نیز این‌گونه تربیت نماییم تا آنان عزتمندانه، اندیشه‌ها و رفتارها را ارزیابی نمایند و بدون ترس و با شجاعت داوری کنند.

بند اول به دو اصل مهم در همه ادیان توجه دارد: اصل توحید و اصل معاد. آیه ۶۲ سوره بقره نیز به این دو اصل پرداخته است.

۴ انجام فعالیت «تدبیر در قرآن» (۱)

پاسخ سؤال اول همان‌گونه که بیان شد اصل توحید محوری و اصل آخرت‌گرایی است. البته دانش‌آموزان

این معانی را با هر ادیبانی که بیان کنند، صحیح است؛ مثلاً ممکن است دانش‌آموزی به جای این دو معیار بگوید، اصل توجه به خدا و توجه به جهان آخرت و یا بگوید اصل توحید و اصل معاد؛ تمامی این عبارات چون معانی مورد نظر را می‌رسانند، صحیح می‌باشد.

پاسخ سؤال دوم را به نوعی می‌توان از مطالب آموزش داده شده در درس سوم یعنی «توحید و سبک زندگی» بیان کرد. یعنی آن بخش‌هایی که در درس سوم به بعد اجتماعی توحید عملی و ثمرات آن و نیز بحث «توحید و شرک در جهان امروز» می‌پردازد.

علاوه بر نکات مطرح شده در آن درس می‌توان به محورهای ذیل نیز توجه کرد:

در تمدن برآمده از توحید خدا ناظر بر اعمال ماست و جلب رضایت او غایت انسان، از این رو هر آنچه موجب غضب او شود در هر عرصه‌ای که باشد، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... مردود است. در تمدن برآمده از توجه به جهان آخرت، لذت‌ها به لذت‌های مادی محدود نمی‌شود، بلکه انسان برای کسب لذت‌های ماندگار اخروی نیز تلاش می‌کند.

در تمدن توحیدی تمامی مخلوقات نشانه خدا و امانت او در دست انسان هستند نه منبعی برای چپاول و غارت، از این رو نوع تعامل این تمدن با طبیعت و محیط اطراف متفاوت است.

۵ تبیین معیار سوم

این معیار یکی از معیارهای مهم تمدن اسلامی است. برخلاف سایر تمدن‌های دیگر، در تمدن برآمده از اسلام، حکم و فرمان خداوند و بندگان خاص او اساس و پایه است نه حرف و سخن طاغوتیان و از این رو این تمدن در همه عرصه‌ها بر پایه قوانین و دستورات الهی بنا می‌گردد.

۶ انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۲)»

معیار سوم همان اطاعت از خدا و رسول خدا ﷺ و امام است.

۷ تبیین معیار چهارم

در این مرحله نیز دانش‌آموزان به مطالعه بند چهارم می‌پردازند تا بتوانند فعالیت «تدبر در قرآن» را که پس از آن می‌آید انجام دهند.

این بند مربوط به مهم‌ترین پایه نظام اجتماعی اسلام، یعنی عدالت است که به عنوان هدف انبیا نیز معرفی شده است. به هر میزانی که عدالت، به معنی حقیقی کلمه، در یک جامعه حاکم باشد، آن جامعه از این حیث، اسلامی‌تر است. یک بخش از عدالت، عدالت اقتصادی است که بسیار اهمیت دارد؛ سوره ماعون که در این قسمت به آیتی از آن اشاره شده، مصداق‌هایی از توجه اسلام به عدالت اقتصادی را با شیوه‌ای زیبا نشان می‌دهد. در این سوره، کسی که به حقوق یتیمان و بینوایان بی‌توجهی می‌کند و آنان را از خود می‌رانند، تکذیب‌کننده روز جزا معرفی شده است. همچنین بر سر نمازخوانانی فریاد می‌زند که اهل ربا هستند و یک

نماز ظاهری می‌خوانند اما از پرداخت حقوق مالی نیازمندان خودداری می‌کنند. در عصری که توجه به عدالت معنایی نداشت و حاکمان جامعه از قدرتی بی‌حد و حصر برخوردار بودند و همه امکانات اجتماعی و اقتصادی را به راحتی و با یک فرمان به مالکیت خود درمی‌آوردند، رسول خدا ﷺ با رفتار خود پایه‌های عدالت اجتماعی را در جامعه پایه‌گذاری کرد و «عدالت» را شعار اصلی حکومت خود قرار داد. همین امر سبب شد که اقشار محروم و مستضعف جامعه به پیامبر اکرم ﷺ ایمان آورند و پایه‌گذار حکومتی شدند که «اصل عدالت»، از اصول اولیه آن بود. حتی پس از رسول خدا ﷺ که به تدریج این اصل توسط حاکمان نادیده گرفته شد، شعار اصلی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در زمان گرفتن حکومت ظاهری، عدالت، مساوات و برابری بود.

۸ انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۳)»

با فعالیت «تدبر در قرآن»، دانش‌آموزان به اصل عدالت می‌رسند و درمی‌یابند که یکی از معیارهای تمدن متعالی، حاکمیت عدالت در روابط میان انسان‌ها، به خصوص در روابط اقتصادی و سیاسی و طرد ظلم و بی‌عدالتی از جامعه است.

۹ تبیین معیار پنجم

در این مرحله نیز دانش‌آموزان پنجمین بند را مطالعه می‌کنند و در ضمن مطالعه به توضیحات دیر نیز گوش می‌دهند تا آخرین معیار را مشخص سازند.

موضوع این بند، تحکیم بنیان خانواده و احیای مقام و منزلت زن به عنوان محور خانواده، توسط پیامبر اکرم ﷺ است.

این موضع‌گیری اسلام و تشخیص پیامبر اکرم ﷺ درحالی بود که هم در محیط عربستان و هم در دیگر نقاط جهان، حتی در کشورهای بزرگ و متمدن آن روز، مثل ایران و روم، ستم‌های فراوانی به زن می‌شد و تقریباً از کلیه حقوق انسانی محروم بود.

انتخاب این موضوع به عنوان یکی از معیارهای تمدن متعالی از دو جهت اهمیت دارد: اول اینکه برای دانش‌آموزان بیشتر روشن شود که احیاکننده حقوق زن در جهان، دین اسلام است و ضرورتی ندارد که ما در این زمینه بخواهیم خود را پیرو و مقلد دیگران قرار دهیم. حتی در امور سیاسی و اجتماعی نیز اسلام به حقوق زنان توجه کرده است. به‌طور مثال درحالی که تا یکی دو قرن قبل زنان در رأی‌گیری دخالتی نداشتند، پیامبر اکرم ﷺ آنان را در بیعت که نوع رأی‌گیری آن زمان بود، دخالت می‌داد. دوم اینکه دانش‌آموزان بدانند که احیای حقوق زن در اسلام، یک اقدام صوری و سطحی نبود، بلکه حرکتی عدالت‌خواهانه، در جهت کسب جایگاه طبیعی و فطری زن و تحکیم بنیان خانواده بود. آنچه امروزه در عصر جدید در دنیا اتفاق افتاده است، تبدیل زن به ابزاری برای شهوت‌رانی در هر جا و هر زمان است.

دیران گرامی توجه داشته باشند که در تبیین این دو نکته نمی‌توان با کلی‌گویی دانش‌آموزان را قانع کرد؛ لازم است اطلاعات خود را در این باره افزایش دهیم و نمونه‌های فراوانی از اتفاقات افتاده را ذکر کنیم.

۱۰ انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۴)»

۱- توجه به خانواده یا محوریت خانواده یا اصالت خانواده و پاسخ‌هایی مشابه این که همین معنا را دربر دارد.

۲- این آیات در بردارنده پیام‌های متعددی است که به برخی اشاره می‌شود:

□ اینکه خداوند بین زن و مرد جاذبه و کشش قرار داده، یکی از آیات الهی است. اگر این‌گونه نبود خانواده‌ای تشکیل نمی‌شد و نسل آدمی از بین می‌رفت.

□ از تعبیر «مِن أَنْفُسِكُمْ» این پیام برداشت می‌شود که زنان نیز از جنس مردانند و این نفی‌کننده نگاه برخی مکاتب به زنان و پست دانستن خلقت آنان است.

□ از عبارت «لِتَسْكُنُوا» این نکته برداشت می‌شود که هدف از ازدواج رسیدن به آرامش است پس دختر و پسر باید معیار اصلی خود را انتخاب فردی قرار دهند که با وی به آرامش برسند.

۱۱ تبیین معیار ششم

محتوای این بند از دو جهت حائز اهمیت است و به همین خاطر نیز به عنوان یک معیار مهم تمدن اسلامی، در اینجا ذکر شده است؛

جهت اول، وضع فعلی صف‌بندی‌های سیاسی در جهان است؛ در وضع فعلی، قدرت‌های بزرگ جهانی بنا بر اهداف توسعه‌طلبانه خود، شعارهایی را مطرح می‌کنند و کشورها و جوامع را به نسبت قبول یا رد آن شعارها دسته‌بندی می‌نمایند. در مجامع جهانی مانند سازمان ملل متحد و بازار تجارت جهانی نیز از کشورهای که آن شعارها را پذیرفته‌اند، حمایت می‌کنند و کشورهای را که آن شعارها را رد کرده‌اند، در تنگنا و سختی قرار می‌دهند. جبهه‌بندی‌های جهان امروز، نه بر اساس ارزش‌ها، بلکه بر مبنای منافع تعریف است. این وضعیت ناشی از فروپاشی ارزش‌ها و فضیلت‌ها و نسبی‌انگاشتن آنها در عصر مدرنیسم و قبول رویکرد پلورالیستی (نسبی‌گرایی) در این قبیل امور است. به همین جهت، امروزه چنان مفاهیم مربوط به حوزه حق با مفاهیم مربوط به حوزه باطل مخدوش و خلط گردیده که گاه بی‌بندوبارترین افراد به عنوان سمبل فضیلت و نوع دوستی و ظالم‌ترین حاکمان به عنوان پرچمدار عدالت و دموکراسی معرفی می‌شوند و قهرمانان جهاد و فضیلت در کنار تروریست‌ها جای می‌گیرند و انسان‌های آزاداندیش، حقیقت‌طلب و معتقد به عقلانیت با انسان‌های متحجر و عقب‌مانده در یک دسته ردیف می‌شوند. قدرت‌های مخرب جهانی برای مخدوش کردن این حد و مرزها از همه ابزارها کمک می‌گیرند. بسیاری از فیلم‌های سینمایی و رمان‌ها که در حوزه‌های معنویت، تاریخ، دین و مسائل سیاسی و اجتماعی تهیه و نوشته می‌شوند، حاوی این پیام‌های

مخدوش اند. بسیاری از گروه‌هایی که در صحنه‌های فکر و سیاست ظهور می‌کنند نیز همین رسالت را بردوش دارند. ظهور گروه‌های تکفیری همچون داعش، درست در زمانی که پیام‌های زیبا و متعالی انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن، امام خمینی علیه السلام، فضای جهان را پر کرده بوده، در راستای همین مخدوش‌سازی بوده است. چنین فضای مسمومی، تصمیم‌گیری و اتخاذ موضع را برای مردم و به‌خصوص جوانان مشکل می‌کند.

آنان از خود می‌پرسند که به راستی سمبل اسلام واقعی کیست؟ داعش است یا حزب‌الله لبنان و ایران؟ جهت دومی که سبب آوردن این معیار شده است، نیفتادن در دام لیبرالیسم اخلاقی و نسبی‌گرایی محض اخلاقی است که امروزه در جهان رواج یافته و تمام مرزها و حدود را درنوردیده است و هیچ فاصله‌ای میان فضیلت‌ها و رذیلت‌ها باقی نگذاشته است. کسی از همین غریبان در صدسال پیش فکر نمی‌کرد که در صدسال آینده در میان مشاوران، معاونان رؤسای جمهوری و وزیران، همجنس‌بازان و عضو انجمن‌های مدافع همجنس‌باز، چه از مردان و چه از زنان، حضور داشته باشند و بدون هیچ دغدغه اخلاقی و یا ترس از طرد اجتماعی، بلکه با افتخار!، در مجامع مختلف شرکت کنند و فعالیت نمایند.

مربیان و معلمان تعلیم و تربیت دینی و بالاتر از آن، روحانیون جامعه وظیفه دارند در جهت تبیین این مرزبندی‌ها فعالیت کنند و نگذارند که دوست به جای دشمن و دشمن به جای دوست به نسل جوان مسلمان معرفی شود و او نتواند از حریم مرزهای اعتقادی، اخلاقی و سیاسی خود دفاع جاتانه نماید.

۱۲ انجام فعالیت «تدبر در قرآن (۵)»

- ۱- معیار حق خواهی و باطل ستیزی
- ۲- این پاسخ و اگر است و دانش‌آموزان می‌توانند مصادیق مختلفی را ذکر کنند.
- ۳- اتحاد و یکدلی مسلمانان و رفع مشکلات مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع اسلامی.

۱۳ تبیین معیار هفتم

این بند درباره یکی از ابعاد مهم اسلام، یعنی توجه به زندگی این جهانی و نیازهای مربوط به آن است. در واقع این بند برای پاسخ‌گویی به برخی شبهات و سؤال‌ها تنظیم شده که در ذهن برخی جوانان وجود دارد و فکر می‌کنند که دین فقط به بُعد معنوی و اخروی انسان توجه دارد و برای زندگی دنیا ارزشی قائل نیست و نسبت به آن بی‌توجه است. توضیحاتی که در این بند آمده، گویای این حقیقت است که اسلام سعادت آخرت را در گرو خوشبختی در دنیا قرار داده و از مردم خواسته است که از نعمت‌های الهی در دنیا بهره ببرند و به نیازهای مادی و دنیایی خود توجه کنند و برای این نیازها برنامه‌ریزی نمایند. این درحالی است که مسیحیت قرون وسطی مردم را به بی‌توجهی به دنیا و نعمات آن دعوت می‌کرد.

تنها محدودیتی که اسلام برای این موضوع قائل شده در دو مورد است: یکی اینکه توجه به نعمت‌های دنیایی و نیازهای مادی نباید تا آنجا پیش رود که مانع توجه به نیازهای عمیق‌تر، بزرگ‌تر و پایدارتر اخروی

و معنوی شود. دوم اینکه نباید این نیازها از طریق تجاوز به حقوق دیگران و ستم به انسان‌ها برطرف گردد و عدالت اجتماعی نادیده گرفته شود.

آیه ۳۲ سوره اعراف به صورت استفهام انکاری و برای تأثیرگذاری بیشتر، مردم را دعوت به استفاده از زینت‌هایی می‌کند که خداوند برای انسان‌ها آفریده و نیز تشویق می‌کند که از رزق پاک این دنیا بهره ببرند و یادآوری می‌کند که این زینت‌ها و رزق‌ها برای مؤمنین است، یعنی هرکس با ایمان تر باشد بهتر از این زینت‌ها و ارزاق بهره می‌برد؛ البته در چارچوب قانون الهی و از طریق حلال.

آن چیزی که اسلام آن را منع کرده است استفاده از زینت‌ها و نعمت‌های دنیایی نیست، بلکه مطابق با آیه بعد (آیه ۳۳ سوره اعراف) روی آوردن به زشتی‌ها و فساد است؛ کسانی که این زینت‌ها و نعمت‌ها را ابزاری برای فساد و زشتی و گناه قرار می‌دهند و نعمت‌های الهی را تباه می‌کنند در این آیه مورد سرزنش قرار گرفته‌اند.

نمونه‌هایی از استفاده درست از زینت‌های الهی در صدر اسلام در اینجا می‌آید تا به دانش‌آموزان ارائه شود:

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام، عبدالله بن عباس را برای بحث و مناظره نزد ابن‌الکواء و یارانش که از خوارج بودند فرستاد. ابن‌عباس در آن روز پیراهنی نازک و حلّه‌ای به تن داشت. وقتی اصحاب ابن‌الکواء او را دیدند، گفتند: ای ابن‌عباس! تو بهترین مردان ما بودی؛ تو را از همه مردم بهتر می‌دانستیم. حالا می‌بینیم که این گونه لباس پوشیده‌ای؟ ابن‌عباس گفت: و همین لباس اولین چیزی است که من برسر آن با شما بحث خواهم کرد و بر شما ایراد خواهم گرفت. مگر قرآن نفرموده «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»؟

۲- امام حسن علیه السلام هر وقت می‌خواست به نماز بایستد، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید. به ایشان گفتند: یابن رسول‌الله چرا لباس‌های خوب خود را در موقع نماز می‌پوشی؟

فرمود: خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و می‌فرماید «خذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» من نیز خود را برای پروردگارم زینت می‌دهم و دوست دارم بهترین لباسم را بپوشم.^۲

۳- ابن‌قداح می‌گوید: امام صادق علیه السلام درحالی که لباسی زیبا از جنس پارچه‌های مرو پوشیده بود به عبادین کثیر (از علما و زهاد اهل سنت) برخورد کرد. عباد گفت: یا ابا عبدالله! تو از خاندان نبوت هستی و پدرت علی، امیرالمؤمنین بود که همیشه کرباس می‌پوشید؛ این لباس‌های فاخر چیست که پوشیده‌ای؟ چرا به لباس ساده‌تر اکتفا نمودی؟

امام فرمود وای بر تو ای عباد! این چه اعتراضی است که می‌کنی؟ زینت‌های خدایی و طیبات رزق را چه کسی حرام کرده؟ خدای عزوجل وقتی به بنده‌اش نعمتی داد، دوست دارد آن نعمت را در بنده‌اش ببیند. (بنابراین) مانعی ندارد.^۳

۱- تفسیر المیزان، ذیل آیه ۳۲ سوره اعراف

۲- همان

۳- همان

۱۴ انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۶)»

- ۱- اعتدال در زندگی یا بهره‌مندی از نعمات دنیوی در عین توجه به آخرت
- ۲- زیرا یک مسلمان هم باید در این دنیا سعادتمندانه زندگی کند و هم در آخرت. در واقع رسیدن به زندگی زیبای آخرت، از بستر همین دنیا می‌گذرد و کسانی که در این دنیا، حیات طیبه و زندگی سعادتمندانه را تجربه می‌کنند، در آخرت نیز به زندگی مطلوب می‌رسند.

۱۵ تبیین معیار هشتم

این بند دربارهٔ توجه اسلام به تعقل، تفکر، علم و دانش است. با مطالعهٔ این توضیحات و با نکاتی که دبیر محترم بیان می‌کند، دانش‌آموزان درمی‌یابند که تمدن اسلامی نمی‌تواند توسط مردمانی شکل بگیرد که نسبت به تفکر و تعقل بی‌تفاوت هستند و آن را نادیده می‌گیرند.

می‌دانیم که خصیصهٔ اصلی جامعه‌ای که پیامبر اکرم ﷺ در آن دعوت خود را آغاز کرد، «جاهلیت» بود. جاهلیت، در مقابل «عقلانیت» قرار دارد. جامعهٔ جاهلی جامعه‌ای است که در تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی افراد آن، بیش از آنکه عقل و خرد حاکم باشد، خرافات، تعصبات و هوی و هوس‌ها حاکم است و جامعهٔ عربستان این‌گونه بود.

نکتهٔ مهم: امروزه دین اسلام به‌عنوان یک دین زندگی، تحرک‌آفرین، اجتماعی، عقل‌گرا، تشویق‌کنندهٔ به علم و بخصوص به‌عنوان دین عدالت و حق‌خواهی وارد صحنهٔ جهانی و معادلات آن شده و قلب‌های بسیاری از مردمان حتی بسیاری از اروپاییان را به خود متوجه کرده است. این امر سبب شده که موجی از تبلیغات تخریب‌کننده علیه اسلام در اروپا و امریکا راه بیفتد و همان جنبه‌هایی از اسلام که برای انسان امروز جذاب است، وارونه جلوه داده شود. عقل‌گرایی اسلامی که سبب ظهور بی‌شماری از اندیشمندان و عالمان در سرزمین وسیع اسلامی شد، و عدالت‌خواهی آن، از جملهٔ آن جنبه‌هاست. دبیران عزیز به‌عنوان یک مسئولیت دینی باید به این نکته توجه داشته باشند و در مقابل مسائلی که گاه و بی‌گاه پیش می‌آید، موضع‌گیری آگاهی‌بخشی داشته باشند و با دادن اطلاعات مستند به دانش‌آموزان، اعتماد و عزت نفس آنان را تقویت نمایند.

۱۶ انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۷)»

پس از توضیحات دبیر و مطالعهٔ دانش‌آموزان، آنان پاسخ فعالیت تدبیر در قرآن را تنظیم می‌کنند و درمی‌یابند که یکی از معیارهای تمدن متعالی اسلام، عقل‌گرایی است. در این تمدن مردم برای تفکر و دانایی ارج و منزلت قائلند و اهل خرد و عالمان و دانشمندان در جامعه از جایگاهی ویژه برخوردارند.

الف) دانستنی‌های ضروری برای معلم

۱۱ اوضاع اجتماعی ایران در عصر بعثت : ایران دارای نظام طبقاتی بسیار شدیدی بوده که بر دو رکن «مالکیت» و «نژاد» استوار بود. هیچ کس نباید خواهان درجه‌ای فوق آنچه به مقتضای نسب به او تعلق می‌گرفت، می‌شد. قوانین مملکت حافظ پاکی خون خاندان‌ها و حفظ اموال غیرمنقول آنان بود. سعید نفیسی می‌نویسد : «تقریباً مالکیت، انحصار به آن هفت فامیل داشت. ایران ساسانی که از یک سو به رود جیحون و از سوی دیگر به کوه‌های قفقاز و رود فرات می‌پیوست، ناچار حدود صد و چهل میلیون جمعیت داشته است. اگر عدهٔ افراد هریک از هفت خاندان را صد هزار تن بگیریم، شمارهٔ ایشان به هفتصد هزار نفر می‌رسد و اگر فرض کنیم که مرزبانان و دهقانان که ایشان نیز تا اندازه‌ای از حق مالکیت بهره‌مند بوده‌اند نیز هفتصد هزار نفر می‌شده‌اند، تقریباً از این صد و چهل میلیون، یک میلیون و نیم حق مالکیت داشته و دیگران همه از این حق طبیعی خدادادی محروم بوده‌اند.»^۱

در شاهنامهٔ فردوسی داستان معروفی آمده که نشان می‌دهد تحصیل دانش نیز اختصاص به طبقات ممتاز داشته است. «می‌گوید در جریان جنگ‌های قیصر روم و انوشیروان، خزانهٔ ایران خالی شد.» انوشیروان با بوذرجمهر مشورت کرد. قرار شد که از بازرگانان قرضه بخواهند. گروهی از بازرگانان دعوت شدند. در میان آنها یک نفر «موزه فروش» بود که از نظر طبقاتی چون کفشگر بود از طبقات پست به شمار می‌آمد. گفت حاضر تمام قرضه را یک جا بدهم، به شرط آنکه اجازه داده شود یگانه کودکم که خیلی مایل به درس خواندن است به معلم سپرده شود :

به رنجی بگویی به بوذرجمهر
که بازار او بر دلم خوار نیست
مرا شاد گرداند اندر نهان
که دارد سرمایه و هنگ آن
که کوتاه کردی مرا راه گنج
که ای شاه خوب اختر نیک‌چهر
اگر شاه دارد به گفتار گوش
که شاه جهان با خرد باد جفت
به فرهنگ جوید یکی رهنمای

بدو کفشگر گفت کای خوب چهر
که اندر زمانه مرا کودکی است
بگویی مگر شهریار جهان
که او را سپارد به فرهنگیان
فرستاده گفت این ندارم به رنج
بیامد بر شاه بوذرجمهر
یکی آرزو کرد موزه فروش
فرستاده گفت که این مرد گفت
یکی پور دارم رسیده ز جای

که این پاک‌فرزند گردد دبیر
 که جاوید بادا سزاوار گاه
 چرا دیو چشم تو را خیره کرد؟!
 مبادا کزو سیم خواهیم و دُر
 هنرمند و با دانش و یادگیر
 دبیری بیایدش پیروز بخت
 سپارد بدو چشم بینا و گوش
 نماند جز از حسرت و سرد باد
 چو آیین این روزگار این بود
 درم خواه و از موزه دوزان مخواه
 دل کفشگر زان درم پر ز غم^۱

اگر شاه باشد بدین دستگیر
 به یزدان بخواهم همی جان شاه
 بدو گفت شاه ای خردمند مرد
 برو همچنان بازگردان شتر
 چو بازارگان بچه گردد دبیر
 چو فرزند ما بر نشیند به تخت
 هنر یابد از مرد موزه فروش
 به دست خردمند مرد نژاد
 به ما بر پس از مرگ نفرین بود
 هم اکنون شتر بازگردان به راه
 فرستاده برگشت و شد با درم

در آن دوران دختر مستقلاً حق امتیاز شوهر نداشت. این حق به پدر اختصاص داشت.^۲

شوهر بر اموال زن ولایت داشت و زن بدون اجازه شوهر حق نداشت در اموال خویش تصرف کند.^۳
 شوهر حق داشت یگانه زن خود را یا یکی از زنانش را به مرد دیگری عاریه دهد. رضایت زن در این مورد شرط نبود و فرزندی که در این ازدواج متولد می‌شدند، متعلق به خانواده شوهر اول بودند و مانند فرزندان او محسوب می‌شدند.^۴ نکاح با محارم سنتی رایج بود. در یکی از کتاب‌های دینی ساسانیان در شرحی از معراج روح آمده است که در آسمان دوم روان کسانی را دیده است که ازدواج با محارم کرده و تا جاویدان آمرزیده شده بودند و در دورترین جاهای دوزخ روان زنی را گرفتار عذاب جاودانی دیده زیرا نکاح با محارم را برهم زده است. این رسم حتی در عهد هخامنشیان نیز رواج داشت.^۵

این اثر می‌نویسد: «هنگامی که رستم فرخ‌زاد^۶ در سرزمین بین‌النهرین به مقابله سپاه اسلام می‌رفت، با عربی برخورد کرد. عرب ضمن گفت‌و شنود با رستم اظهار یقین کرد که ایرانیان شکست می‌خورند. رستم به طنز گفت: پس ما باید بدانیم که از هم اکنون در اختیار شما هستیم. عرب گفت: این اعمال فاسد شماست

۱- شاهنامه، چاپ کتاب‌های جیبی، ج ۶، ص ۲۵۸

۲- ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن، ص ۳۵۱

۳- همان، ص ۳۵۲

۴- همان، ص ۳۵۴

۵- همان، کریستین سن، صص ۳۵۵ تا ۳۵۷

۶- رستم فرخ‌زاد (و به عبارت دقیق‌تر: رستم فرخ‌هرمز) فرزند یکی از بزرگان ساسانی به نام فرخ‌هرمز بود. رستم فرخ‌زاد یکی از سرداران حکومت ساسانی در زمان پادشاهی یزدگرد سوم بود. وی در جنگ قادسیه، توسط سربازان سپاه سعدایی وقاص کشته شد. برخی به اشتباه او را با رستم دستان (قهرمان شاهنامه) که فرزند زال بود، یکی گرفته‌اند. رستم دستان براساس اشعار شاهنامه، به دست برادر ناتنی‌اش شغاد کشته شد. داستان هر دو رستم در شاهنامه بیان شده است.

که چنین سرنوشتی برای شما معین کرده است. رستم از گفت و شنود با عرب ناراحت شد و دستور داد گردن او را بزنند. رستم با سپاهیان به «برس» رسیدند و منزل کردند. سپاهیان رستم ریختند میان مردم و اموالشان را تاراج کردند، به زنان دست‌درازی کردند، شراب خوردند و مست شدند و عریده کشیدند. ناله و فریاد مردم بلند شد، شکایت سربازان را پیش رستم بردند. رستم خطابه‌ای القا کرده به سپاهیان گفت: مردم ایران! اکنون می‌فهمم که آن عرب راست گفت که اعمال زشت ما سرنوشت شومی برای ما تعیین کرده است. من اکنون یقین کردم که عرب بر ما پیروز خواهد شد، زیرا اخلاق و روش آنها از ما بسی بهتر است. همانا خداوند در گذشته شما را بر دشمن پیروز می‌گردانید به حکم اینکه نیک رفتار بودید، از مردم رفع ظلم کرده به آنها نیکی می‌کردید. اکنون که شما تغییر یافته‌اید، قطعاً نعمت‌های الهی از شما گرفته خواهد شد.»^۱

۲ **احیای عدالت، محور اصلی حکومت امیرمؤمنان:** عدالت به عنوان پایه اصلی حکومت اسلامی، مهم‌ترین هدف امیرمؤمنان بود. آن حضرت تلاش می‌کرد که عدالت از دست رفته عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مجدداً احیا کند و جامعه اسلامی را بر این پایه اعتلا بخشد. آن حضرت در خطبه‌های آغاز حکومت ظاهری خود، بر این موضوع تأکید کرد و پس از آن نیز در هر فرصتی از عدالت سخن می‌گفت که نمونه‌هایی را در اینجا می‌آوریم:

الف) از امام پرسیدند: عدالت یا بخشش، کدام یک برتر است؟

فرمود: عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، درحالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌کند. عدالت، تدبیر عمومی مردم است، درحالی که بخشش گروه خاصی را شامل است. پس عدالت شریف‌تر و برتر است.^۲

ب) به امام توصیه می‌کردند که با دادن هدایا دل اشرف، از جمله، معاویه را به دست آورد. در خطبه‌ای به آنها فرمود: آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند، تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از بی‌هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود آن را به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم؛ تا چه رسد که جزء اموال خداست، آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است؛ ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد؛ در میان مردم ممکن است گرامی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است...^۳

ج) در روز دوم خلافت به مردم فرمود: به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هرکجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا فایده عدالت راحتی عموم

۱- کامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۱۷ (برای مطالعه بیشتر به خدمات متقابل اسلام و ایران تألیف استاد شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، صص ۱۳۶ تا ۲۷۲ مراجعه کنید).

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶

است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است.^۱

د) در نامه‌ای به مالک اشتر فرمود: «شما را به خدا به داد طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند برسید: از زمین‌گیران گرفته تا نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن‌داری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی.

مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان؛ به‌ویژه امور کسانی را، از آنان، بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند.»^۲

ب) منابع

- ۱ علم و تمدن در اسلام، سیدحسین نصر، انتشارات خوارزمی، برای معلم
- ۲ علم و دین از تعارض تا گفتگو، جان اف‌هات، بتول نجفی، مؤسسه فرهنگی طه، برای معلم
- ۳ محمد پیامبری برای همیشه، حسن رحیم‌پور ازغدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، برای معلم و دانش‌آموز
- ۴ ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن، برای معلم
- ۵ کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، برای معلم
- ۶ امام صادق علیه السلام مغز متفکر جهان شیعه، جمعی از دانشمندان، انتشارات جاویدان، برای معلم و دانش‌آموز
- ۷ انقلاب تکاملی اسلام، جلال‌الدین فارسی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، برای معلم و دانش‌آموز
- ۸ بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی‌اکبر ولایتی، انتشارات وزارت خارجه، برای معلم و

دانش‌آموز

- ۹ تاریخ آموزش در اسلام، احمد شبلی، محمدحسین ساکت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه،

برای معلم و دانش‌آموز

- ۱۰ خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، برای معلم و دانش‌آموز
- ۱۱ دانش مسلمین، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، برای معلم و دانش‌آموز
- ۱۲ علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین‌العابدین قربانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، برای معلم و دانش‌آموز

۱- همان، خطبه ۱۵

۲- نهج‌البلاغه، نامه ۵۳